



کتابخانه
ایمان
و
عقل



سلام



زندگی از منظر سوره «الرحمن»:

جلسه بیستم و دوم – ۲۶ آبان ماه ۱۳۹۹

آیة ۳۱:



سَنَفَرُغُكُمْ

أَيُّهُ الثَّقَلَانِ (۳۱)

ای (جن و انسی که) سنگین شده‌اید؛
زود است که به شما پردازیم.

عَلَّتِ « سَفَرُغْ » چیست؟

چرا رسیدگی به کار جن و انس

به بعد موکول شده؟

انسان، برایِ « **آزمایش** » به « دنیا » آمده

پس هر « **فرد** و **گروه** و **قومی** »،

تا پایانِ « **أجل** » خودش

از « **سنت‌های الهی** » برخوردار است.

مهمترین « **سنت‌های الهی** » حاکم بر جهان عبارتند از:

۱- « **سنتِ اِمهال** »:

فَمَهَّلِ الْكَافِرِينَ أَهْلَهُمْ رُوَيْدًا (طارق/۱۷)

۲- « **سنتِ املاء** »:

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ ... (ال عمران/۱۷۸)

۳- « **سنتِ استدراج** »:

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (اعراف/۱۸۲)

۴- « **سنتِ امداد** »:

... أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ (ال عمران/۱۲۴)

۵- « **سنتِ توفیق** »:

... فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا ... (نساء/۳۵)

« پیام » این آیه چیست:

سَفَرُكُمْ أَثْقَالٌ (۳۱)

اول: اینکه:

در « **فرصت** و **مهلت** **ارزشمندی** » که دارید،

چرا این همه « **غُل** و **زنجیر** » را

از « **دست** و **پا** و **قلب** » خودتان،

« **باز** » نمی‌کنید؟

دوم: «ثقیل»

هرگز نمی تواند به ملاقات «لطیف» برود:

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

آیا آنکه^۲ آفریده نمی داند با آنکه او بسیار لطیف و آگاه است؟ (مُلک/۱۴)

« **ثقل** » یعنی چه؟

فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمَلاً خَفِيفاً فَمَرَّتْ بِهِ

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا

فَلَمَّا أَثْقَلَتْ

دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحاً لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (أعراف/ ۱۸۹)

پس چون با او درآمیخت با سبکی باردار شد و با آن گذراند تا آنکه سنگین شد

خدا پروردگار خود را خواندند که اگر به ما [فرزندی] شایسته عطا کنی قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود

پس «سنگین» شدن یعنی:

«حَمَلٌ» چیزی و «تَعَلَّقَ» به چیزی «جدا شدنی»

عَلَّتِ «ثَقُلِ» جَنِّ وَ إِنْسِ چيست؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛

مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

انْأَقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ؟

أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ؟

فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (توبه/۳۸)

ای اهل ایمان؛ چه شده که چون به شما می‌گویند در راه خدا بسیج شوید جذب زمین می‌شوید؟ آیا بجای آخرت به زندگی دنیا دلخوش شده‌اید؟ متاع زندگی دنیا

پس « **ثقل** » جن و انس، به خاطر:

« علاقه و تعلق و وابستگی و دلبستگی »

به چیزهای « **فانی دنیا** » است،

که « نفسانیت » آنها را « **سنگین** » می‌کند،

و از¹⁷ رشد و لطافت و لیاقت پرواز و عروجشان باز می‌دارد.

آن‌ها باید با «**تواضع**» و «**وضع حمل**» خود،

خود را «**خلاص**» و «**وارسته**» کنند:

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ

سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (آل عمران/ ۱۸۰)

آیا هر «**ثقلی**» **بد** است؟

خیر، بلکه « **سنگینی ترازوی اعمال** » در قیامت،

« **عاملِ رسیدن** به **بهترین زندگی** » است:

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ **الْمُفْلِحُونَ** (مؤمنون/۱۰۲)

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (۶) فَهُوَ **فِي عِشَّةٍ رَاضِيَةٍ** (۷) وَأَمَّا مَنْ

خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (۸) فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (۹) وَ مَا أَذْرَاكَ مَا هِيَّةُ (۱۰) نَارُ حَامِيَةٍ (۱۱)

آیة ۳۲:



فَبَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

(۳۲)

پس شما کدام «آلاء» ربّتان را «دروغ» می‌شمارید؟

«جن و انس» چه چیزی را باید «تصدیق» کنند؟

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْ لَا تُصَدِّقُونَ؟ یعنی:

ای جن و انس،

چرا از «خدادانی» به «خدا باوری»

و «تصدیقِ عملی و اطاعت» نمی‌رسید؟

آن‌ها باید « **قیامت** » را هم

« **عملا** » تصدیق کنند:

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ **بِیَوْمِ الدِّينِ**

(معراج/۲۶)

آنها باید تمام ابعادِ زندگیِ خودشان را
با « رسالتِ سفیرانِ الهی » تنظیم کنند:

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ

أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (حدید/۱۹)

آیة ۳۳:



يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ؛

إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

فَاَنْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (۳۳)

ای گروه جن و انس اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمانها و زمین، عبور کنید.
پس ²⁷رخنه کنید (اما بدانید که) جز با تسلطی (جامع و کامل) نمی‌توانید رخنه کنید.

« ترجمه‌های » مطرح:

انصاریان: ... نمی توانید بیرون روید مگر با نوعی توانایی و قدرت.

خرمشاهی: ... اما جز با نیرویی عظیم، نتوانید به درون راه برید.

فولادوند: [ولی] جز با [به دست آوردن] تسلطی رخنه نمی کنید.

قمشه‌ای: ... (ولی این خیال محالی است زیرا) هرگز خارج از ملک و سلطنت خدا نتوانید شد.

مکارم شیرازی: ... ولی هرگز قادر نیستید مگر با نیروئی (الهی).

المیزان: ... اما از حساب و عذاب گریزی ندارید، مگر با عذر موجه و تسلط.

نمونه: به این ترتیب شما هرگز یارای فرار از دادگاه عدل خدا و پیامدهای آن را

ندارید،²⁹ هر جا بروید ملک خداست، و هر کجا باشید محل حکومت اوست،

- این موجود ضعیف و ناتوان کجا می‌تواند از عرصه قدرت خداوند بگریزد؟
- همانگونه که امیر مؤمنان علیه السلام در دعای روح پرور کامل عرضه می‌دارد:
«و لا یمكن الفرار من حکومتک پروردگارا! فرار از حکومت تو ممکن نیست»

- به طوری که از سیاق آیه استفاده می‌شود، این خطاب از خطابه‌های روز
محشر است و خطاب تعجیزی می‌باشد؛ یعنی می‌خواهد بفرماید: « شما در
روز قیامت، عاجز و ناتوان از انجام هر گونه کاری برای نجات خود هستید».

-ولی به هر طرف بگریزید بالأخره به ملک خدا گریخته‌اید و قادر بر نفوذ
نخواهید بود، مگر با نوعی سلطه و قدرت، که شما فاقد آن هستید.

احتمالا این آیه، مربوط به « آخرت » نیست.

برای « تهدید » نیست، برای اعلامِ « تعجیزِ آنها » نیست.

بلکه با توجه « **إِنْ** اسْتَطَعْتُمْ » به جای « **لَوْ** اسْتَطَعْتُمْ »،

نشانه « **امکان** » و عبارت: « **إِنَّا بِسُلْطَانٍ** »، « **شرط** » و رمزِ «

« برون رفت » از این « هفت خوانی » است که

« **روح** » را « **اسیر** » کرده و آنها را به « **جهنم** » می کشاند.

پس « معشر بودن » و « سلطان داشتن »

« دو شرط یا دو راهِ **رهایی** » از:

مدارِ « **مریخِ خشونت** » و مدارِ « **زهرة شهوت** »

و « **عطاردِ ذهنیت** » و « **مشتریِ راحت طلبی** »

و مدارِ « **زحلِ قدرت** » و از هر « مدارِ دیگری » است،

تا آنها به « **لقاء یگانه محبوب آفرینش** » برسند.

« معشر » یعنی چه؟

« **معشر** » (از: عشر) (سه بار در قرآن آمده)،

به معنای « گروهی یکپارچه و متحد حولِ یک نفر » است.

« عشیره » هم به « بستگانی » گفته می‌شود که

« مطیع و تابعِ یک نفر » هستند.

« **مَعَشَر** »، شاید اشاره به « گروههای متشکلی » است که

« **عاشورائی** » و با « **امام** » خود « **حل** » شده‌اند.

« سلطان » یعنی چه؟

« سلطان »

« عاملِ تسلّط » بر یک « مانع بزرگ » است:

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ » (هود/۹۶)

(و همانا موسی را با آیات (و معجزات) خود و حجتی قدرتمند و روشنگر، مأمور کردیم.)

« سلطان »، همان « نیروی معجزه آسای الهی »،

همان « جواز عبور »، « بینه و دلیل روشن و نور حیاتبخش »،

و همان « اکسیرِ عشق » است.

« سلطان »،

داشتنِ « محبّتِ رحمان » در « قلب »،

و رسیدن به مقامِ « يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ » است.

زیرا در تفسیری منسوب به حضرت امام صادق صلوات الله علیه،

در ذیل همین آیه نقل شده که ایشان فرمودند:

.... « وَ هِيَ مُحِبَّةُ الرَّحْمَنِ »

پس « نفوذ در أقطار آسمانها و زمین »،

فقط با « **عشقِ نابی** » میسر است که در « **امّت** » متجلی باشد.

« جن و انس » فقط با چنین « **عشقِ مؤمنانه‌ای** » می‌توانند

تمام « کشش‌ها و جاذبه‌های اسارت‌بار » را خنثی کنند،

زیرا « تمام عناصر هستی »،

در³⁸ برابر « **عشقِ الهی** »، « خاضع » و « تسلیم » هستند.

اعلم سلطان من وجد صال من محمد رسول الله عليه

دانش، مابهی اقتدار است؛ هر کس آن را بیابد، بوسیله آن پیروز می شود و هر کس آن را نیابد، مغلوب می گردد



أمير المؤمنين صلوات الله عليه نیز فرمودند:

« **الْعِلْمُ سُلْطَانٌ** »

مَنْ وَجَدَهُ صَالٍ بِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صِيلَ عَلَيْهِ.

(علم، إقتدارِ غالب است، هر که آن را بیابد « با آن یورش برد و پیروز شود »،
و هر که آن را نیابد بر او « یورش برند و مغلوب شود. »)

(شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹)

آیة ۳۴:



فَبَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا

تُكَذِّبَانِ (۳۴)

پس^{۴۲} شما کدام «آلاء» ربّتان را «دروغ» می‌شمارید؟

یعنی: ای جن و انس،

چرا با «**تکذیب** **حسابرسی** **دقیق** **آخرت**»

دائماً «**مردم**» را «**وسوسه**» می کنید؟

الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (٥)

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (٦)

« وسوسه »:

هر نوع « إلقاء شفاهی یا کتبی یا تصویری »

از « درون یا بیرون » توسط « جن یا انس » است که

با ایجاد « شک و تردید » در فرد « ضعیف الإیمان »،

« اراده » او را « متزلزل » و « توجّه » او را

از « انجام وظائف به موقع »، « منحرف » می کند.

به نظر می‌رسد بسیاری از:

« مطالبی » که در « خانواده‌ها » برای « جوانان » طرح می‌شود،

« مطالبی » که « دوستان » برای یکدیگر مطرح می‌کنند،

« مطالبی » که « مشاورین » در رسانه‌ها و فیلم‌ها إلقاء می‌کنند،

« مطالبی » که در برخی از « کتاب‌ها » عرضه می‌شود،

مصادقِ « **وسوسه** » و « **إلقاءات** شیطانی » هستند.

آیة ۳۵:



يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا

شُواظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٍ

فَلَا تَنْتَصِرَانِ (۳۵)

بر سرتان شعله‌های بی‌دود و دودهای بی‌شعله (نحسی و تیرگی) فرو می‌بارد،
پس یاری نتوانید طلبید.

با توجه به فعلِ «**يُرْسَلُ**»،

به نظر می‌رسد آیه مربوط به «همین دنیا» است،

و اینکه «**آزمایش**» انسان در زندگی دنیا،

دائماً آمیخته با انواعِ «**بلاها** و **فتنه‌ها**» است:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (بلد/۴) (= رنج و مشقت)

حضرت أميرالمؤمنين صلوات الله عليه در توصیفِ « دنیا » می‌فرمایند:

دَارُ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ وَ بِالْغَدْرِ مَعْرُوفَةٌ

لَا تَدُومُ أَخْوَالُهَا وَلَا يَسْلَمُ نَزَائِلُهَا ... (خطبه/۲۲۶)

سرایی است که بلاها از هر سو او را فرا گرفته و به بیوفایی شهرت یافته،

نه خود همیشه بر یک حال باشد و نه ساکنانش در سلامت به سر برند ...

پس مخلوقِ «مختار»، (چه ناری باشد و چه خاکی)،

فقط با «**محبّه الرحمن**»،

و «اطاعت» از «رسولانِ منصوب الهی»،

می تواند از میانِ هر نوع «آتش و فتنه‌ای»، «عبور» کند.

او جز رحمان، نباید «**رب**» دیگری را «بندگی» کرد.

زیرا: «**مَنْ كَانِ لِلّٰهِ كَانِ اللّٰهُ لَهُ**»

آیة ۳۶:



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۶)

* پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می‌شمارید؟*

به نظر شما اگر ما « **خدا** » را از زندگی امروزِ خودمان « **حذف** » کنیم،
چه « تغییرات روشنی » در گفت، رفت، اخلا و مواضعِ ما رخ می‌دهد؟

آیا « مخاطبِ » آیهٔ زیر « ما » نیستیم:

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْ لَا تُصَدِّقُونَ؟

(واقعه/۵۷)

آیة ۳۷:





خدایا؛

ما را به «**خدا باوری**» کامل برسان،

و از «**ذاکرینِ آلاء**» خود قرار ده

و از هر **تردید** و **انکار** و **تکذیبی** حفظ فرما

و در ظهور آخرین حجتِ خود سهیممان کن.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

